

بهرز سون: خیابان، آوردگاه ضروری مبارزه برای آزادی و عدالت اجتماعی



آنچه شایسته است بازگویی این واقعیت است که جنبش های سراسری خیابانی اگرچه برای بثمر رسیدن انقلاب ضروری و لازم است اما کافی نیست و مکمل آن اعتصابات و همبستگی کارگران و معلمان، نهادهای کشاورزی و دانشجویان، دانش آموزان و پرستاران و... با آن است که روند فلج کردن حاکمیت و سقوط آنرا تسریع خواهد کرد. بنابر این تکلیف دلسوختگان مردم معلوم است و آن اینکه آتش فروزان کنونی را نباید خاموش کرد بلکه بر آن دمید و این همان نقطه تمایز سرنگونی طلبان با فراندومیست هاست. طرح فراندوم در چنین فضایی سیاسی اگر هم بار مصرفی - تبلیغاتی

اینکه آزادی گرفتنی است و نه دادنی واضح است اما این جمله کاملا درست بکرات و در مقاطع متعدد مبارزات سیاسی مردم نیازمند تکرار است. چنانچه به تاریخچه سراسر سرکوب و قلع و قمع رژیم حاکم اسلامی نگاهی بیاندازیم و اعتراضات موجود را ارزیابی کنیم خواهیم دید که هیچگاه مطالبات و خواستههای معترضان در سطح اعتراضات خیابانی دیمه با ویژگی سراسری نبوده است. گام به گام رادیکال تر شده و از تمامی جناح های رنگارنگ حکومتی عبور کرده اند و امروزه خواهان حذف کلیت نظام شده اند. بلحاظ سیاسی منطقا و با اتکا به تجارب گذشته ارتقاء سطح مبارزات سیاسی مردمی میتواند آنانرا گامی به تحصیل مطالباتشان که در شعارهایشان نهفته , نزدیک کند. در شرایطی که مردم به خیابان ها ریخته اند و اعتراضات آنها رادیکالیزه شده است هر اقدام و فراخوانی برای بازگشت آنها از خیابان و خالی کردن این صحنه حتی با نیت خیر اما در پشتیبانی و حفظ حاکمیت موجود خواهد بود. خروش انقلابی پابرهنگان و تشنگان آزادی در دیمه گذشته که ترکش های آن همیشه و تا کنون در تهران و اهواز و ابادان و اصفهان و سایر شهرهای ایران باقی است بسیاری را شوکه کرد.

بخشی از آنها همانند روحانی مکار و اصلاح طلبان بنام با طرح فراندوم تلاش کردند تا خود را از دامنه تیررس جوانان و زحمتکشان در خیابان دور نگاه دارند. و از دایره شعاع شعار اصلاح طلب، اصول گرا دیگه تمومه ماجرا بیرون بجهند. این شعار از درون دانشگاه ها و از میان دانشجویان بیرون آمد و نشان داد که دانشگاه زنده است و توهمات پیش از این موجود در میان بخشی از دانشجویان نسبت به اصلاح طلبان ریخته است و این طیف جایگاه خود را در همبستگی با معترضان خیابانی بعنوان پیشرو یافته است.

بخش دیگر دانسته یا ندانسته با طرح موضوع فراندوم و درخواست از نهادهای بین المللی که نزدیک به چهل سال بی اعتنائی حاکمان را مزمره کرده اند در صدد بازگرداندن مردم از صحن خیابان به پای صندوق های رای هستند و تلاش می کنند گردی از خاکستر بر آتش مبارزاتی مردم بپاشند. فراندوم خوش خط و خال و همی این طیف که پانزده چهره را نیز همراه دارد در شرایط کنونی خرید زمان برای حاکمان است. کیست که نداند حاکمان

همواره با چنگ و دندان و اسلحه و موشک و ... از خود دفاع کرده است و از هیچگونه جنایتی برای این مهم تا کنون دریغ نکرده است.

طرح رفراندوم حال از سوی حکومتیان مانند روحانی و یا از سوی چهره های شناخته شده نزدیک به حکومت و یا غیر حکومتی نه در امتداد مبارزات جوانان، دانشجویان، بیکاران، کارگران، معلمان و مالباختگان بلکه ایجاد فضای بازسازی حکومتیان برای سرکوب شدیدتر مردم است و در برابر خواست عمومی معترضان برای سرنگونی و حذف کامل جمهوری اسلامی است. و عاقلانه نیست که اپوزیسیون حقیقی آن با طناب آنها به چاه برود.

آنچه شایسته است بازگویی این واقعیت است که جنبش های سراسری خیابانی اگرچه برای بثمر رسیدن انقلاب ضروری و لازم است اما کافی نیست و مکمل آن اعتصابات و همبستگی کارگران و معلمان، نهادهای کشاورزی و دانشجویان، دانش آموزان و پرستاران و ... با آن است که روند فلج کردن حاکمیت و سقوط آنرا تسریع خواهد کرد. بنابر این تکلیف دلسوختگان مردم معلوم است و آن اینکه آتش فروزان کنونی را نباید خاموش کرد بلکه بر آن دمید و این همان نقطه تمایز سرنگونی طلبان با رفراندومیست هاست.

طرح رفراندوم در چنین فضایی سیاسی اگر هم بار مصرفی - تبلیغاتی داشته باشد اما فراموش نکنیم که آحاد مردم کشورمان تاریخ مصرف رژیم را پایان یافته میدانند. شورش خیابانی رادیکال را تجربه کرده اند و دوباره با انبوهی از خلاقیت ها و ابتکارات آنجا را تسخیر خواهند کرد حال چنانچه صندوق های رفراندوم نیز در خیابان ها چیده شده باشد زنان قهرمان خیابان انقلاب بر روی آن رفته و روسری هایشان را پرچم میکنند. کارگران دلیر و گرسنه همراه با فرهیختگان و دانشجویان در کنارشان ایستاده و حفاظت شان میکنند چرا که حق مسلم دفاع از خود در برابر وحوش حاکم را از خود میدانند و این همان حق بشریت است.

بهروز سورن

14.02.2018